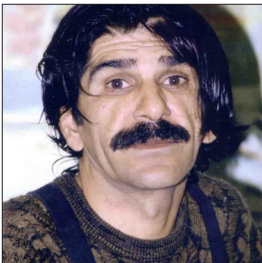


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

ای زندگی ای ملال بی پایان



حسین پناهی ششم شهریور ۱۳۳۵ زاده شد. به توصیه پدر به مدرسه آیت‌الله گلپایگانی رفت و بعد از پایان تحصیلات چند ماهی در کسوت روحانیت به مردم خدمت کرد تا اینکه زنی پیش او رفت و پرسید: فضله موشی در روغن محلی که حاصل چند ماه زحمت و تلاشم بود افتاده، روغن نجس است؟ حسین می‌دانست روغن نجس است، ولی این را هم می‌دانست که با این روغن خرج سه چهار ماه خانواده‌اش را باید تأمین کند، برای همین به زن گفت: نه! فضله و مقداری از اطراف آن را دربیابورد و بریزد دور، روغن دیگر مشکلی ندارد. بعد از این اتفاق علی‌رغم فشارهای اطرافیان نتوانست در کسوت روحانیت باقی بماند. به تهران آمد و در مدرسه هنری آناهیتا چهار سال درس خواند و دوره بازیگری و نمایشنامه‌نویسی را گذراند.

پناهی بازیگری رانخست از مجموعه‌تلویزیونی محله بهداشت آغاز کرد. باپخش نمایش «دو مرغابی در مه» از تلویزیون که نویسنده، کارگردان و بازیگرش بود خوش درخشید و مورد توجه مخاطبان خاص قرار گرفت.

اما حسین پناهی بیشتر شاعر بود؛ وین شاعرانگی در ذره‌ذره جانش نفوذ داشت. نخستین مجموعه شعر او با نام من و نازی در ۱۳۷۶ منتشرشد. شعرهای او گاهی با جملات قصار پهلو می‌زد. برای مثال او درباره زندگی گفته بود: «سلام ای زندگی / ای ملال بی‌پایان…»

حسین پناهی در ۱۴ مرداد ۱۳۸۳ در سن ۴۹سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت و در قبرستان شهر سوق به وصیت خود او فقط به خاطر اینکه مادرش در آنجا دفن شده‌است، به خاک سپرده شد.

خودزنی / محیط زیست

مجلس آینده باید موضوع آب را اولویت اصلی خود بداند

نشست تخصصی بحران آب و مسئولیت‌های مدنی با حضور کارشناسان و مسئولین دولتی و مدنی عصر یکشنبه در محل سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران برگزار شد. این نشست میزبان صاحب‌نظرانی دولتی و غیر دولتی بود که بحران آب را از دیدگاه‌های متفاوت بررسی کردند. محمد درویش معاون آموزشی رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در همایش آب و مسئولیت‌های مدنی ضمن ارائه آمار دهشتناکی از نابودی محیط زیست، از عدم توجه به موضوع محیط زیست در سیاست‌های ابلاغی برنامه ششم، سکوت مدیران دولتی، نهاد‌های مدنی و تشکل‌های محیط زیستی نسبت به تخریب محیط زیست و از دست رفتن منابع آب انتقاد کرد. این فعال محیط زیستی نسبت به نگاه مدیران دولتی به حیوانات و محیط زیست و ملاحظه‌کاری‌های بی‌دلیل ایشان ابراز نگرانی کرد. او بر عزم خود و معصومه ابتکار نسبت به آموزش محیط زیست از مدارس تأکید کرد. او گفت شاید ما آخرین نسلی هستیم که می‌توانیم ایران را نجات دهیم. ایران نیازمند انسان‌هایی است که تالاب‌ها و منابع طبیعی و محیط زیست را مانند فرزندان خود دوست بدانند.

در ادامه مراسم اسفندیاری دبیر و عضو شورای اندیشکده آب ضمن تشریح فعالیت‌های این اندیشکده که وابسته به بخش خصوصی است گفت: مهم‌ترین نیاز کشور گسترش فضای گفت‌وگو درباره آب است. او با اعلام وضعیت نگران کننده ظرفیت آب اعلام کرد تصویر اطلاعات از وضعیت آب بسیار مغشوش است. او همچنین گفت: سازمان زمین‌شناسی وضعیت نشت زمین در سراسر کشور را بسیار نگران‌کننده دانسته است. همین‌طور سازمان‌های بین‌المللی بحران آب رایک بحران خزنده معرفی می‌کنند. اسفندیاری مطالبات مشارکت مردمی را در حل این بحران ضروری دانسته و خواستار تبدیل مسأله آب به یک مسأله اجتماعی شد. او گفت یکی از دلایلی که آب در ایران مسأله اجتماعی نیست این است که مردم مسأله آب را مشکل دولت می‌دانند نه مشکل خودشان.

بهرام فیاضی دبیر انجمن آب و فاضلاب نیز در ادامه افول سرمایه اجتماعی و عدم مسئولیت‌پذیری را از مهم‌ترین دلایل بحران آب دانست. او نبود نگاه آمایشی، کلان و استراتژیک در مدیریت کشور را زمینه‌ساز بحران اخیر دانست و گفت: این وضعیت تغییر نکرده و چشم‌انداز آینده است. او از بدنه ناکارآمد دولتی در بخش‌های متولی آب انتقاد و بر هم سو سازی سیاست‌های آب در کشور تأکید کرد و اولویت دادن به موضوع اقتصاد آب را در شرایط فعلی ضروری دانست.

آخرین سخنران این مراسم محمدعلی کیخا مشاور ریاست سازمان محیط زیست بود. او حاکمیت علم و قانون را مهم‌ترین عامل توسعه متوازن دانست و با ذکر خاطره‌ای از مقام معظم رهبری بر همراهی و همسویی دولت و مجلس همانند بال پرنده در موضوع آب و محیط زیست تأکید کرد. کیخا تغییر در مجلس برای حل مسأله آب را ضروری دانست. او برخی تصمیم‌گیری‌های غیر اصولی را توجه به منافع محلی نادرست به‌رای دهنندگان دانست و دلایل متعددی را در فرآیند سیاست‌گذاری برای خروج از تصمیمات پهنه و اصولی عنوان کرد. کیخا نقش رای مردم را در حل بحران‌های ملی پراهمیت دانست و عنوان کرد مجلس آینده باید موضوع آب را اولویت اصلی خود بداند و تغییرات دو سال اخیر را مثبت و امید بخش توصیف کرد.


فارسی را پاس بداریم

آیا دانشمندان ما به واکسن بدنویسی دست خواهند یافت؟

بیماری مسری؛ این درست‌ترین عبارتی است که تا امروز برای توصیف «بدنویسی» به ذهن ناتوانم رسیده است. بنده به جد معتقدم که بدنویسی یک بیماری مسری است و بیماری مسری هم بزرگ و کوچک و زن و مرد و پیر و جوان نمی‌شناسد. وقتی می‌رسد یقه‌ی همه را می‌گیرد و هرکه را که زورش کمتر باشد، زودتر از پا در می‌آورد.

راستش را بخواهید وقتی به این فکر می‌کنم که بیماری بدنویسی به طرز فجیعی در میان ما شایع شده دلم می‌خواهد برگردم به روزگار دور. بسیار بسیار دور. به زمانی که تنها عده‌ای محدود از نعمت سوادآموزی و خواندن و نوشتن برخوردار بودند و دیگران ـ یعنی اکثریت قریب به اتفاق مردم ـ سر در کار خود داشتند و نه می‌خواندند و نه می‌نوشتند. آن وقت‌ها حداقل این فارسی مادر مرده، زبان به زبان می‌چرخید، نه دست به دست؛ آن هم روی گوشی‌های تلفن همراهی که عرض و طول شان گاهی واقعا آدمی را به خنده می‌اندازد.

فاصله میان گفتن تا نوشتن، فاصله عجیبی است. اغلب ما وقت حرف زدن می‌توانیم یک ماجرا

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

اولین خودروهایی که به ایران آمدند

کتاب «خودرو از گذشته تا آینده» روانه بازار نشر شد

نخستین چاپ کتاب «خودرو از گذشته تا آینده» نوشته مهدی دمیرچی از سوی انتشارات «مدیر فلاح» منتشر شد.

«آشنایی با خودرو و تاریخچه»، «شروع صنعت خودرو در ایران»، «خودروهای برقی»، «خودروهای هیدروژنی» و «پرواز خودروها» پنج فصل این کتاب هستند. از مهم‌ترین مباحث نخستین فصل کتاب می‌توان به خودرو دید کلی و کاربرد، تاریخچه خودرو، داستان پرفراز و نشیب فورد و نخستین اتوبوسی که به ایران وارد شد، اشاره کرد.

در این فصل درباره ورود نخستین خودرو به ایران می‌خوانیم: «مظفرالدین شاه در سفر دوم خود به اروپا در سال ۱۲۷۹ هجری شمسی، در بروکسل بلژیک یک دستگاه اتومبیل خریداری کرد. سال ۱۲۸۰ برابر با ۱۹۰۱ میلادی این خودرو به ایران آمد که با ذغال کار می‌کرد. در مراجع آمده که مظفرالدین شاه قاجار در نخستین سفر به اروپا، دو دستگاه اتومبیل از نوع «رنو» خریداری کرد. (در برخی از اسناد اشاره شده که این دو دستگاه خودرو به مظفرالدین شاه قاجار هدیه شده بود.) این دو دستگاه اتومبیل که در ماه اوت ۱۹۰۰ (مرداد ماه ۱۲۷۹ هجری شمسی) به ایران رسید، نخستین خودروهایی بود که به ایران وارد شد. مستندترین مدرک در این ارتباط، نقل قول «کولین» مهماندار فرانسوی مظفرالدین شاه قاجار است که ترجمه فارسی آن در همان زمان به‌نام «بدایع‌الوقایع» در ایران منتشر شد.»

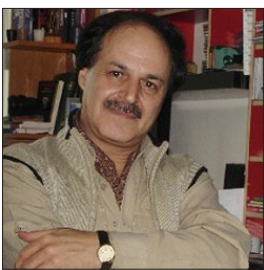
در دومین فصل کتاب نویسنده ضمن معرفی شرکت‌های خودروساز ایرانی مانند ایران خودرو، سایپا و پارس خودرو، به‌عنوان سه شرکت اصلی سازنده خودرو در ایران، درباره پیمانکاران و قطعه‌سازان نوشته است: «تاکنون بیش از دو هزار شرکت سازنده قطعه شناسایی شده‌اند که از طریق شرکت «بهنگام آفرین» قراردادهای تأمین قطعات منعقد شده است و ده‌ها شرکت

گردش روزگار برعکس است


و من مسافرَم ای بادهای همواره / مرا به وسعت تشکیل ابرها ببرید... (سهراب سپهری)

با کاروان حله / اخبار هنر

آهنگساز باسابقه ایرانی دچار آتش سوزی شد



فریبرز لاجینی آهنگساز وپیانیست شناخته‌شده کشورمان، که مدتی از سال‌را در کانادا ومدتی را در ایران سکونت دارد، بر اثر حادثه آتش‌سوزی دچار سوختگی شدید در نقاط مختلف بدن شده و در بیمارستان بستری است. نزدیکان لاجینی به «موسیقی‌ما» گفتند که او روز جمعه در منزلش در تهران دچار این سانحه‌شده است.الناز یوسفی دستیار فریبرز لاجینی که این روزها او را در بیمارستان همراهی می‌کند، حادثه را این‌گونه شرح می‌دهد: «صبح جمعه بر اثر انفجار گاز خانگی آقای لاجینی دچار سانحه شدند که خیلی سریع ایشان را به بیمارستان سوانح سوختگی مطهری رساندیم. به دلیل نبود امکانات لازم و رسیدگی به موقع، با اعلام رضایت شخصی و به مسئولیت خودشان، ایشان را به یک بیمارستان مجهز منتقل کردیم و در این بیمارستان تحت دو عمل جراحی قرار گرفتند که خوشبختانه موفقیت‌آمیز بود. امیدواریم تا آخر هفته ایشان از بیمارستان مرخص شوند.» یوسفی در این گفت‌وگو ترجیح داد نام بیمارستانی که فریبرز لاجینی هم اینک در آن بستری است، مطرح نشود. فریبرز لاجینی علاوه بر آهنگسازی، در عرصه موسیقی متن نزدیک به صد اثر در قالب فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی دارد. تماشاگران تلویزیون هنوز موسیقی زیبای تیتراژ و متن سریال «آرایشگاه زیبا» را که ساخته لاجینی است به یاد دارند. از جمله آلبوم‌های بسیار موفق او نیز «بایبز طلایی» است. او برای خوانندگان پاپ فراوانی هم ملودی ساخته است. مهم‌ترین کارهای زنده‌یاد محمدنوری از ساخته‌های فریبرز لاجینی هستند.

کار عشق از وصل و هجران درگذشت
درد ما از دست درمان درگذشت
جوی خون دامان خاقانی گرفت
دامنش چه، کز گریبان درگذشت...
(خاقانی، قرن ششم، غزلیات)

سوت پایان

| اوقات شرعی:
اذان صبح: ۵:۴۰
| اذان ظهر: ۱۲:۳۰
| غروب آفتاب: ۱۹:۲۰
| اذان مغرب: ۲۰:۱۵

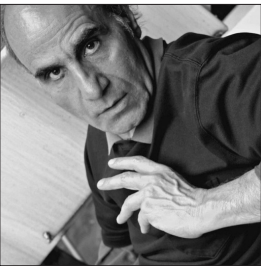
نیز در صنایع جنبی آن فعالیت می‌کنند. توانمندی قطعه‌سازان زامیاد اینک در حدی است که برخی از آن‌ها برای شرکت‌های معتبر داخلی و خارجی قطعه تولید و صادر می‌کنند و سطح تکنولوژی و توان طراحی و تولید آن‌ها نسبت به سال‌های اولیه آغاز فعالیت‌هایشان بسیار بالا رفته، به گونه‌ای که زنجیره تأمین زامیاد به‌عنوان یک مزیت رقابتی پایدار برای شرکت زامیاد شده است.»

«تاریخچه طولانی خودروهای برقی در دنیا» نخستین مطلب سومین فصل کتاب است. درباره این موضوع اشاره شده که «توماس پارکر» مخترع انگلیسی، در سال ۱۸۸۴ نخستین خودرو برقی که از باتری‌های قابل شارژ استفاده می‌کرد را اختراع کرد. اعتقاد بر این است که یکی از انگیزه‌های پارکر در اختراع نخستین خودرو برقی، افزایش آلودگی شهر لندن بوده است.

محور اصلی چهارمین فصل کتاب «استفاده از هیدروژن به‌عنوان سوخت خودرو» است. در تشریح ویژگی‌های استفاده از سوخت هیدروژن در این فصل آمده که فراوانی، مصرف تقریبا منحصر به‌فرد، انتشار بسیار ناچیز آلاینده‌ها، برگشت‌پذیر بودن چرخه تولید آن و کاهش اثرات گلخانه‌ای از جمله این ویژگی‌هاست.

«خودرو پرنده» موضوع آخرین فصل کتاب است که یک شرکت فرانسوی آن را طراحی کرده است. این خودرو پرنده که «پگاس» نام دارد، می‌تواند تا ارتفاع سه هزار متری سطح زمین پرواز کند.

پادر میانی کیارستمی برای فیلم امیر نادری



رئیس پیشین سازمان صدا و سیما با بیان اینکه فیلمی به کارگردانی امیر نادری به دلیل اینکه نمایش‌دهنده فقر و فحشا و ابتذال در جامعه آمریکا بوده، در بخش رقابتی جشنواره کن پذیرفته نشده است، از تمایل مسئولان این جشنواره به نمایش فیلم‌های سیاه‌نما درباره ایران نوشت.
ضرغامی با اشتراک عکسی از فیلم «دونده» در اینستاگرام، ابتدا درباره امیر نادری نوشت: «امیر نادری کارگردان

ایرانی، چند سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی از کشور خارج شد و از ایران فاصله گرفت. فیلم‌های «تنگسیر» و «دونده» او را چندین بار دیده و لذت برده‌ام. با فیلم «تنگنا» که برخی منتقدان سینمایی آن را ستایش می‌کنند، رابطه‌ای برقرار نکرده‌ام.» او در ادامه به پذیرفته نشدن فیلم نادری در جشنواره کن و پادر میانی عباس کیارستمی در این باره اشاره می‌کند: «امیر نادری در امریکا، فیلمی ساخت که محتوای آن فقر و فحشا و ابتذال در این کشور بود. فیلم را به جشنواره کن فرستاد؛ علی‌رغم تصور او، از همان ابتدا فیلم مردود و از مسابقه کنار گذاشته شد! آقای عباس کیارستمی در یک جلسه طولانی و صمیمی با من، به این مسأله اشاره کرد و گفت آقای نادری از من خواست پادر میانی‌کنم؛ با رئیس جشنواره کن صحبت کردم و راجع به کارنامه آقای نادری توضیح دادم و از او خواستم این فیلم در مسابقه پذیرفته شود.» اما دخالت کیارستمی هم موثر واقع نمی‌شود، زیرا مسئولان جشنواره تمایل ندارند، فیلمی را که تصویر خوبی از امریکا ارائه نمی‌کند، در بخش رقابتی جشنواره بپذیرند!

باشیم به هر قیمتی که شده بنویسیم، چون حاصل کار، چنان متن آشفته و مغلوطی خواهد بود که خودمان هم ـ احتمالا ـ از خواندنش خجالت می‌کشیم. متأسفانه از وقتی دانش رواج یافت و قاطبه مردم از نعمت سواد برخوردار شدند روز به روز بر این اجبارها افزوده شد. ما مجبور شدیم انشای بنویسیم. مجبور شدیم نامه اداری بنویسیم. مجبور شدیم تحقیق درسی بنویسیم، مجبور شدیم به هم پیامک بدهیم. مجبور شدیم «همین الان بپویی» در فیس‌بوکمان چیزی بنویسیم، و همین‌طور که مشغول مجبور شدن بودیم، اشتباهاتمان را در اختیار دیگران قرار دادیم و گذشت تا امروز که بدنویسی شده است بیماری مسری‌ای که هیچ واکنسی برای آن کشف نشده است و گمان نمی‌کنم دانشمندان و زبان‌شناسان آن سوی عالم دلیل موجهی برای کشف چنین واکنسی داشته باشند. دانشمندان خودمان هم بعید است دغدغه زبان مادری داشته باشند و بعیدتر آن است که فکر تهیه «واکسن بدنویسی» به ذهنشان خطور کند.

ما واقعا می‌خواهیم با این بیماری مسری چه کنیم؟ در باره این موضوع باز هم خواهیم نوشت.